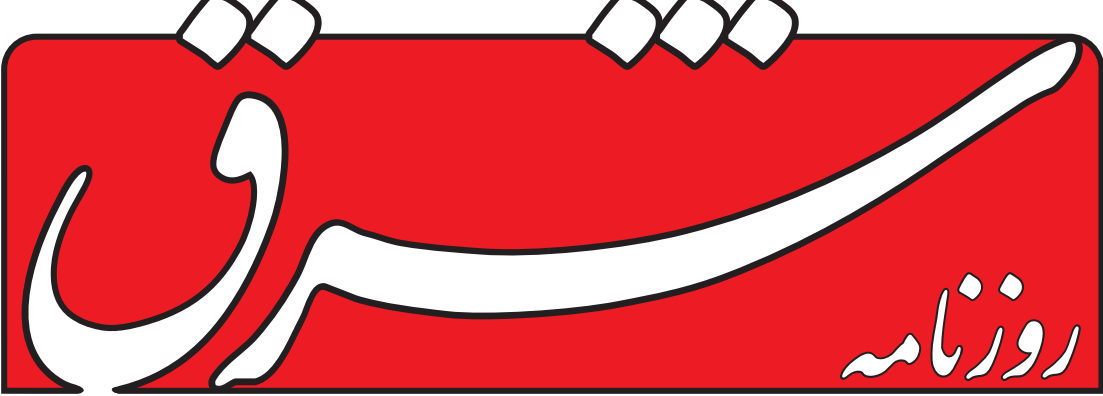


چگونه داده‌ها خبر از فاجعه‌های جبران ناپذیر می‌دهند

در جنگال بی‌آبی

به دلیل گسترش روزافزون شکاف میان جمعیت رو به رشد جهان و افزایش محدودیت منابع آب شیرین قابل دسترس، تنازع و رقابت جدی میان کشورها به‌ویژه در مناطق خاصی مانند خاورمیانه و شمال آفریقا، به‌شدت افزایش پیدا کرده است…

صفحه ۶



شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۲۲ شوال ۱۴۴۴ • ۱۳ می ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۵۲ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: پرسپولیس در یک قدمی قهرمانی، بررسی اجمالی محاسبه مالیات درآمد یزشکان، ادای احترام به مریم میرزاخانی، زمین گرم و زندگی پرمخاطره

پرونده‌های ویژه برای بررسی پیامدهای انتخابات ترکیه در منطقه؛ فردا احتمالا تکلیف اردوغان روشن می‌شود، می‌رود یا می‌ماند؟

آزمون آنکارا

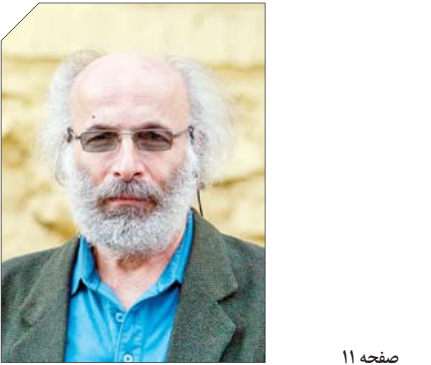
چهره دیگر ترکیه در صورت بود یا نبود هرکدام از کاندیداها



سیاست به معنای امر روزمره، نقطه اشتراک بین دولت رئیسی و دولت روحانی است. هر دو این دولت‌ها بسر این باورند که فهم مشترکی از سیاست وجود دارد که براساس آن می‌توان در غیاب سردم کارها را پیش برد و چه‌بسا با مداخله مردم حل مسائل و مشکلات ناممکن خواهد شد. این فهم از سیاست یعنی باور به دولت مقتدر، که نه دولت رئیسی توانست این‌گونه باشد و نه دولت روحانی این‌گونه بود. از طرف دیگر، جریان‌های سیاسی و تحلیلگران سیاسی نیز باوری راسخ به سیاست به‌عنوان امری روزمره دارند. همین باور به سیاست به معنای امر روزمره با سیاست مبتنی بر فهم مشترک است که دولت، جریان‌های سیاسی و تحلیلگران را غافلگیر کرده است. بگذریم از اینکه بعد از اعتراضات اخیر بسیاری مدعی شدند که چنین وقایعی را پیش‌بینی کرده‌اند. البته ناکفته پیداست که در چنین شرایط اقتصادی و تکنهای اجتماعی پیش‌بینی وقایع این‌چنینی کار چندان دشواری نیست؛ چراکه وقوع آن در هر زمان و مکان محتمل است. اینک نیز بسیار شنیده می‌شود که می‌گویند اعتراضات بعدی در پی مشکلات اقتصادی موجود روی خواهد داد. این‌گونه تحلیل‌ها یا پیشگویی‌های سیاسی مثل این است که بگوییم زمستان در راه است، زمستان در راه است، یکی از ضرورت‌هاست؛ مثل قهوه جاذبه زمین. هیچ‌کس با باور به جاذبه زمین خودش را از بالای پشت‌بام پایین نمی‌اندازد. کسی که خودش را از پشت‌بام پایین می‌اندازد، برخلاف ضرورت جاذبه زمین عمل می‌کند. با باور به اینکه جاذبه زمین او را فروخواهد کشید و به هستی‌اش پایان خواهد داد، همان‌گونه که رخداده‌ها بر اثر ضرورت شکل می‌گیرند؛ اما الزاما در قاعده ضرورت‌ها نمی‌گنجد. باور به سیاست به‌عنوان امر روزمره و رایج، مبتنی بر فهم مشترک هم مانسند ضرورت‌ها عمل می‌کند. هیچ نکته خلافاًنه‌ای در آن وجود ندارد و تفاوت در آن نادیده گرفته شده است. سیاست مانند فلسفه و هنر وابسته به نگاه خلافاًنه است. اگر بپذیریم اینک سیاست در جامعه به بن‌بست رسیده است؛ یعنی خلافت سیاسی مرده است و دقیق‌تر آن است که بگوییم سیاست به معنای امر روزمره دیگر کار نمی‌کند و تغییر شرایط موجود با همان تحلیل‌های سابق ناممکن است. در سیاست‌ورزی کنونی چه در جناح‌های سیاسی و چه در میان تحلیلگران رسمی و غیررسمی و اپوزیسیون با نوعی انباشت کلیشه‌ها روبه‌رو هستیم؛ کلیشه‌هایی که درصددند خود را نو جلوه دهند اما در بطن خود از کلیشه‌ها پیروی می‌کنند. بسیاری از تحلیلگران نیز همین سیاست به‌بن‌بست‌رسیده را کالایی کرده و می‌فروشند و با تکیه بر فهم مشترک که شهرت خود اضافه می‌کنند، مخاطبان آنان نیز از میان افراد جامعه‌ای هستند که سیاست را به‌عنوان امر روزمره درک می‌کنند؛ اما آدم‌هایی که در پی رخداد به خیابان می‌آیند، به‌ندرت از میان این‌دست آدم‌ها هستند. آنهایی که به خیابان می‌آیند، از قواعد سیاست مبتنی بر فهم مشترک پیروی نمی‌کنند. چه‌بسا افرادی که در پی سیاست‌ورزی به خیابان احضار می‌شوند، هیچ برداشتی از سیاست به معنای رایج آن نداشته باشند و از همین رو است که رفتارهای آنان پیش‌بینی ناپذیر است. این آدم‌ها کسانی‌اند که براساس میل خود یا به میدان گذاشته‌اند و در مسیر میل خود به دیگران متصل شده‌اند و این اتصال‌ها بر وقایع پیش‌بینی ناپذیر استوار است؛ اتصال‌هایی که با سیاست به معنای فهم مشترک قابل درک نیست. این‌گونه اتصالات بیش از هر چیز شبیه یک رخداد عاشقانه است. به تعبیر کلر کولبروک «عشق رویارویی با شخصی دیگر است؛ که جهانی ممکن را به روی‌مان می‌کناید. مفهوم عشق، یک شکل خاص از عشق – مثلا عشق میان دو نفر– نیست و نمی‌توان گفت که این چیستی عشق است. مفهوم عشق به‌مثابه مواجبه‌ای ممکن با دیگری، مانند جهانی کاملا جدید، به ما اجازه می‌دهد که به اشکالی از عشق بیندیشیم که هنوز موجود نیستند. اشکالی که بالقوه‌اند، نه بالفعل.»

مفهوم سیاست، امر روزمره نیست. مفهوم سیاست مانند مفهوم فلسفه و هنر است. نزد دلووز، «مفهوم» قدرت فراتر از آنچه می‌دانیم و تجربه می‌کنیم است. تجربه اندیشیدن به اینکه چگونه تجربه می‌تواند گسترش یابد. دلووز باور دارد، «فلسفه جایش مستمری برای متفاوت اندیشیدن از طریق خلق مسئله‌ها است. فلسفه قدرتی یگانه است؛ اما در مواجهه با قدرت‌ها است که توانایی یافته. رویدادهای علم و هنر، مسئله‌های جدید در فلسفه پدید می‌آورند… فلسفه و هنر و علم پیگیری‌های آکادمیکی برای دستیابی به شناختی بی‌فراتنه نیستند؛ بلکه هر تفکری یک هنر و رویدادی در حیات است.» آنچه به این جملات اعتبار بیشتری می‌بخشد، این است که دلووز یک فیلسوف سیاسی است و سیاست را به‌مثابه یک تفکر، یک هنر و یک حیات تازه می‌فهمد. سیاست از منظر او، ربطی به فهم مشترک ندارد. سیاست مانند ادبیات بایستی خلافاًنه باشد. به تعبیر کولبروک: «ادبیات ادعایی درباره چیستی جهان ندارد؛ بلکه خواستار تخیل در باب جهانی ممکن است.» راه گریز از سیاست روزمره تخیل سیاسی است. این تخیل سیاسی است که راه‌های ناممکن را به روی ما می‌گشاید. بی‌تردید همه رخداده‌ها بر تخیل سیاسی استوارند. تخیلی که جهان‌های ناممکن را ممکن می‌سازد. بدون تخیل سیاست می‌مرد، همان‌گونه که ادبیات و فلسفه می‌میرد. برای فهم خلافاًنه از سیاست ناگزیر باید تخیل ورزید و ادبیات منبع غنی برای تخیل است؛ اما ن‌ارند کسانی که در حوزه سیاست با ادبیات آشنا باشند.

ادامه در صفحه ۴



صفحه ۱۱

نگاهی به کارنامه گیانوش عیاری به بهانه

هفتادودومین زادروزش

از نفس نیفتاده

♦ با یادداشت‌هایی از: محمدعلی باشه‌آهنگر

یاشار نورایی ناصر هاشمی

رویافروشی

بررسی موارد حقوقی برخورد با بی‌حجابی وواکاوی بند ۳ ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی درگفت‌وگو با محسن برهانی:

زنان بی‌حجاب شیء نیستند

گفت‌وگو با نازنین ثقفی پور، وکیل چند نفر از بازیگران زن سینما که به خاطر برداشتن حجاب احضار شده‌اند

جنگال‌های انتخاباتی در دوری تازه؛ طائب وعده محاکمه روحانی را داد و ازغدی او را جاسوس نامید

جدال انتخاباتی باروحانی؟



طلسم ناکامی ایران در آسیا شکسته می‌شود؟

مهم‌تر از کت‌وشلوار قلعه‌نویی

یادداشت



یک عکس از اقتصاد کشور



انسان‌ها وقتی به سن امروز من می‌رسند، دیگر آرام‌آرام با خاطرات‌شان زندگی می‌کنند؛ هرچند من به گواه یادداشت‌هایم در این ۴۰ سال، از همان ابتدا با خاطراتم زندگی کرده‌ام و یکی از شیرین‌ترین خاطراتم مربوط به همین ماه اردیبهشت و بزرگ‌ترین رخداد فرهنگی کشور در همه این سال‌ها، یعنی برگزاری نمایشگاه کتاب است. کتاب همیشه برای من مانند یک جادو بوده و به جرئت می‌گویم کم نبود‌اند کتاب‌هایی که از آغاز تا انتهایشان را بدون توقف خوانده‌ام و تا تمام نشده‌اند بر زمین‌شان نگذاشته‌ام. دلم می‌خواهد اینجا نام بعضی از این جادوها را بگویم که با وجود گذشت چندین دهه از خواندن‌شان، همچنان با یاد آنها به وجد می‌آیم. نان و شراب، مسخ بازمصلوب، رکتایم، پرواز بر فراز آشیانه فاخته، قلعه مالویل، سفر به مادراپور، مرگ کسب‌وکار من است و…؛ یک فهرست بلندبالا که نوشتنش سخت نیست، ولی شاید حوصله خواننده را سر ببرد. اینجا باید اعترافی بکنم؛ پس از سقوط ششم‌هر و در محاصره قرارگرفتن آبادان که همسر آنچه از خانواده باقی مانده بود، پیاده از بیابان‌های اطراف آبادان تا ماهشهر و بعد به تهران آمدمیم و پس از یک سال ترک تحصیل که دوباره دانش آموز شدم و در سال سوم ریاضی ثبت‌نام کردم، بعد از چند روز حوصله‌ام از درس و مدرسه سر رفت و به علاقه اصلی‌ام یعنی خواندن کتاب رو آوردم و چون آه در بساط نداشتم، پسران پسران نشانه کتابخانه عمومی مرکزی شهر را که در پارک شهر بود، به‌دست آوردم و برای خواندن کتاب به آنجا رفتم و عضو شدم. همان روز اول وقتی در فهرست کتاب‌های کتابخانه، چند کتاب را انتخاب کردم، کتابدار گفت چند روزی است که این کتاب‌ها به همراه بسیاری کتاب‌های دیگر پاکسازی و از کتابخانه جمع شده‌اند و هنوز فرصت به‌روزرسانی فهرست فراهم نشده و در هر صورت دیگر این کتاب‌ها در اختیار متقاضی قرار نمی‌گیرد. وقتی متصدی دیگری تراحتی مرا دید، پیشنه‌اش کرد که سری به کتابخانه ملی بزنم؛ چون همه آن کتاب‌ها و بسیاری از مجلات منتشرشده کشور تا آن روز را می‌توانم آنجا بیابم، فقط امکان امانت‌گرفتن کتاب‌ها وجود ندارد. نشانی را گرفتم و بی‌درنگ رفتم. آن زمان کتابخانه ملی در خیابان سی تیر و ضلع شمالی موزه ایران باستان قرار داشت. از آنجا که امکان امانت‌گرفتن کتاب وجود نداشت، باید همان‌جا کتاب را می‌خواندم. نتیجه اینکه تمام آن سال تحصیلی را در کتابخانه ملی گذراندم و سال سوم دبیرستان را مرود شدم. شش سال بعد بود که وقتی دانشجوی معماری دانشگاه ملی (بعدها دانشگاه شهید بهشتی) بودم، در آبان سال ۱۳۶۶ و در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران و در جوار دانشگاهی که تحصیل می‌کردم، اولین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران راه افتاد و بعد از یک سال وقفه، دومین دوره‌اش در سال ۱۳۶۸ برگزار شد و تا دوران کرونا برگزار شد که همیشه برپایم که اتفاق بسیار شلوغ، پرازحام، خفه‌کننده، سرسام‌آور و شیرین بود…

ادامه در صفحه ۴



♦ عکس: علیرضا رضانی، جماران

حبیبيان، مهوش وقاری، مهدی یراحی، مانی رهنما، امیر بکان، باربید بابایی و… از جمله حاضران برای آخرین وداع با حسین زمان بودند. فضل مشترک سخنان شرکت‌کنندگان تاکید بر«شرافت»، «همدلی و همراهی با مردم» و «یادپاری بر عقیده»، «شجاعت» و «آزادگی» بود. مدیرعامل خانه موسیقی در این مراسم بیان کرد: «حسین زمان هنرمندی متعهد و اندیشه‌ورز و از پیش‌قراولان موج جدید موسیقی پاپ از سال‌های آغازین دهه ۷۰ بود که نشان دهنر را برای سرگرمی و تفنن انتخاب نمی‌کند. حسین زمان از همان ابتدا نشان می‌داد که با شخصیتی طرف هستیم که هنر را فقط برای سرگرمی و تفنن دنبال نمی‌کند، بلکه تعهد اجتماعی و دغدغه دارد، از سر درد می‌خواند و تا آخر هم همین ماند.

این گزارش را در صفحه آخر بخوانید



شهر امید

روایت سی‌وششمین نماز جمعه شهر امید

مدارا و رسیدگی به معیشت مردم هم در دین آمده

شده‌ایم، اما از امام صادق(ع) به همان اندازه و بلکه بیش از آنچه تاکید بر اجرای احکام دین نقل شده باشد، درباره خدمت به خلق و خدمتکاری آنان روایت آمده است. تا آنجا که می‌فرماید اگر کسی نسبت به تقاضا و نیاز برادر مؤمنی بی‌تفاوت باشد و با خورشویی به درخواست او عمل نکند، بین ما و او ولایتی نخواهد بود. یا در جایی دیگر برآوردن نیاز مؤمن را از ۱۰ حج بالاتر می‌داند. امروز اگر می‌خواهیم نشان دهیم به راه رئیس مذهب شیعه باور واقعی داریم، باید در راه همدلی با مردم و کمک به آنها و نه در مسیر جدایی، بیزاری و بی‌توجهی به مطالبات اولیه آنان از هم سبقت بگیریم. امام جمعه شهر امید در پایان با اشاره به حملات اخیر رژیم غاصب صهیونیستی به نوار غزه گفت: لازم است به مدعیان دفاع از حقوق بشر یادآوری کنیم در همین چند روز گذشته حداقل ۱۰ کودک و زن در حملات رژیم جنایتکار صهیونیستی به شهادت رسیده‌اند. سکوت آنان در برابر این جنایت و کشتار، جز تأیید و همراهی چه پیامی دارد؟ از خداوند بزرگ تقویت‌مان در خدمتگزاری به این مردم صبور و نجیب و همچنین خدمتگزاری واقعی به آزادی، حقیقت و عدالت را خواستارم. خودم و شما را به مدارا، رحم و مروت و انصاف با یکدیگر توصیه می‌کنم.

از پرزنگ‌ترین چهره‌های تبعیض، آن است که به فلان جوان متخصص بانگیزه چون ظاهرش شبیه ما نیست و مثل ما فکر نمی‌کند، اجازه ورود به هیچ سازمان و اداره‌ای نداریم یا در تحصیلش ایجاد کنیم. تبعیض یعنی مخاطبان‌مان را همین دوروبری‌ها و همراهان خودمان بدانیم و ذائقه و مطالبه اکثریت مردم را ندیده و نشنیده بگیریم. تبعیض یعنی صدواوسیم‌ا برنامه‌هایش برای عده محدودی تهیه شود. نابرابری یعنی هرکس غیر از ما می‌اندیشد و فکر می‌کند، حتی حق تدریس در دانشگاه هم نداشته باشد. عدالت یعنی همه مردم در کشور از حقوق برابر برخوردار باشند؛ بدون توجه به گرایش، تفکر و حتی دین و آیین‌شان. می‌خواهیم اسم امام صادق(ع) بر جامعه بدرخشد؟ ببینیم آن امام، در تفسیر و توضیح این آیه از سوره بقره که می‌فرماید: «با مردم به نیکی سخن بگویید»، چه گفته است: «مقصود، همه مردمان اعم از مؤمن و مخالفان است. اما با مؤمنان باید گشاده‌رو بود و اما با مخالفان باید به نرمی و مدارا سخن گفت تا به سوی ایمان کشیده شوند». ما چنین کرده‌ایم؟ این روزها با مردم و نه مخالفان به نرمی و مدارا سخن می‌گوییم؟ حجت‌الاسلام منصف در بخش دیگری از سخنان خود گفت: همه ارکان حاکمیت با تمام قوا برای اجرای قانون حجاب بسیج

خبر

سفیر جدید ایران با تسلیم استوار نامه خود به رئیس جمهور کره جنوبی تاکید کرد:

نقش مؤثر منابع مالی ایران در کره جنوبی بر تقویت روابط ۲ کشور

شرق؛ سفیر جدید کشورمان در سئول، پس از تسلیم استوار نامه خود به یون ساگ یال، رئیس جمهور کره‌جنوبی، بر اهمیت منابع مالی ایران در کره‌جنوبی و نقش مؤثری که می‌تواند در تقویت همکاری‌های دو کشور ایفا کند، تاکید کرد. سعید کوزه‌چی، سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در سئول، روز جمعه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۲، با حضور در محل ریاست جمهوری کره‌جنوبی، استوار نامه خود را تسلیم یون ساگ یال، رئیس جمهوری این کشور کرد. وی در این مراسم و در گفت‌وگو با رئیس جمهور کره‌جنوبی، ضمن ابلاغ سلام رئیس جمهوری کشورمان، بر آمادگی لازم به منظور توسعه مناسبات دو جانبه تاکید کرد. کوزه‌چی تصریح کرد: توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران،